

به قول خواجه عبدالله انصاری: «همه از آخر می‌ترسند و من از اول»

شماره پرسش: ۱۹۵۰۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۰:۲۳:۰۶ ۱۳/۳/۱۳۹۶

متن پرسش

با سلام: استاد بزرگوار بنده در زمینه جبر و اختیار، از مسئله ازدواج و کارهای روزمره گرفته تا آن پیشانی پینه بسته هایی که لعن حضرت علی علیه السلام کردند و روز عاشورا را تبرکا روزه گرفتند یا اینکه تصمیم داریم کاری را برای رضای خدا انجام دهیم همان کار ما را به مسیر شقاوت و بدبختی می کشاند و سال ها انسان را عقب می اندازد و سرنوشتی که از قبل نوشته شده پس چرا حق تعالی دعا و تلاش را آنقدر دوست دارند و داریم به بندگان دستور دادند؟ بسیار سوال و شبهه در این زمینه (جبر و اختیار) دارم چه منابعی را پیشنهاد می کنید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر اراده‌ی اصلی انسان‌ها تنها و تنها رجوع به حق باشد و انگیزه‌ی مطرح کردن خود در میان نباشد و اگر هم هست به قصد عبور از خودخواهی‌ها، عبادت کند آرام آرام حقیقت در برابرش رُخ می‌گشاید و عملاً در مقابل هر حقی تواضع خواهد کرد. هرچه هست در اراده‌ی اصلی و نیت اولیه‌ی انسان‌ها نهفته است. به قول خواجه عبدالله انصاری: «همه از آخر می‌ترسند و من از اول». موفق باشید